

## نگاهی مقایسه‌ای به نظام‌های انتخاباتی؛

### رأی واحد غیر قابل انتقال و رأی موازی

محمد قاسم عرفانی\*



چکیده

پرسش اصلی این تحقیق را تفاوت‌های اساسی دو سیستم انتخاباتی رأی واحد غیر قابل انتقال و رأی موازی تشکیل می‌دهد و این که تغییر نظام انتخاباتی به نظام رأی موازی چه پیامدها و نتایجی را در بر خواهد داشت؟ در سنخ‌شناسی نظام‌های انتخاباتی با چند نظام عمده مواجه هستیم که مهم‌ترین آن‌ها نظام اکثریتی نسبی / مطلق، تناسبی لیستی حزبی / رأی واحد قابل انتقال و نیمه‌تناسبی یا مختلط رأی واحد غیر قابل انتقال / رأی موازی می‌باشند. تعیین نظام انتخاباتی افغانستان در قانون اساسی به قانون انتخابات واگذار گردیده است. در قانون انتخابات، سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال تعیین شده است. گزینش سیستم انتخاباتی باید تابع معیارهایی؛ چون: سادگی، ایجاد حکومت و پارلمان کارآمد، باثبات و پاسخگو، رعایت استانداردهای حقوق بشری و بین‌المللی و تناسب توزیع کرسی‌های نمایندگی با نفوس حوزه‌های انتخابیه باشد. سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال در مقایسه با سیستم رأی موازی از سادگی و وضاحت بیشتری برخوردار بوده، هم مدیریت آن آسان است و هم

\* نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه.

رای‌دهی توسط شهروندان و از جانی هم این سیستم روابط نسبتاً مستقیم بین موکلان و نمایندگان ایجاد کرده و از پیچیدگی‌های بروکراتیک می‌کاهد. سیستم رأی موازی در عین پیچیدگی و حتی ابهام در نوع مورد نظر برای افغانستان، ظرفیت بالایی برای رشد و تقویت احزاب سیاسی و ایجاد نظام حزبی در کشور دارد. علاوه بر آن، موجب کارآمدی بیش‌تر و مؤثریت پارلمان و در نتیجه تمرکززدایی از قدرت گردیده و نمایندگی قدرت‌مند و پارلمان مقتدرتر را نوید می‌دهد.

واژگان کلیدی: انتخابات، نظام انتخاباتی، رأی واحد غیر قابل انتقال، رأی موازی، پارلمان.

## مقدمه

با تشکیل حکومت وحدت ملی بر بنیاد یک توافق‌نامه سیاسی در پی بحرانی‌شدن انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳، کمیسیون ویژه اصلاح انتخاباتی در راستای عمل به یکی از مواد آن توافق‌نامه تشکیل گردید. این کمیسیون به منظور بهبود و اصلاح انتخاباتی، بسته پیشنهادی خود را در یازده محور به رهبران حکومت وحدت ملی ارائه کرد. یکی از این محورها تغییر نظام انتخاباتی کشور از رأی واحد غیر قابل انتقال به سیستم رأی موازی است. بسته پیشنهادی کلیتش در کابینه حکومت وحدت ملی مورد تأیید قرار گرفته است؛ اما از کمیسیون مورد نظر خواسته شده است، تا مستندات و دلایل بیش‌تری برای پیشنهادهای‌شان؛ به خصوص در مورد تغییر نظام انتخاباتی ارائه کنند. از طرفی هم کمیسیون مستقل انتخابات در واکنشی رسمی با این پیش‌نهاد مخالفت کرده و با ارائه دلایل مختلف از جمله پیچیده‌بودن سیستم رأی موازی، عدم آگاهی لازم شهروندان در این زمینه و نیازمندی به صرف بودجه بیش‌تر جهت آموزش کارمندان و دست‌اندرکاران نهادهای انتخاباتی و طولانی‌شدن فرایند و اعلام نتایج انتخابات، چنین پیشنهادی را به صلاح کشور نمی‌دانند (سایت کمیسیون مستقل انتخابات) پرسش اصلی این‌جا این است که تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نوع نظام انتخاباتی در چیست؟ و تغییر احتمالی نظام انتخاباتی به سیستم رأی موازی چه پیامدها و نتایجی را برای کشور در پی خواهد داشت؟ متن حاضر در راستای پاسخ به این پرسش تهیه شده است. برای ارائه پاسخ علمی

به این پرسش، نیاز است که نگاهی گذرا به نظام‌های انتخاباتی داشته باشیم تا با درک بهتر از موقعیت و جایگاه هردو نظام انتخاباتی به داوری در این عرصه بنشینیم. هم‌چنین توجه به معیارهای کارآمدی و مؤثریت یک نظام انتخاباتی با توجه به شرایط خاص کشور کمک می‌کند تا بتوانیم پیامدها و نتایج تغییر احتمالی را بررسی کنیم.

## مفهوم‌شناسی نظام انتخاباتی

### ۱. انتخابات

انتخابات که معادل واژه انگلیسی «Election» است، از نظر لغوی به معانی مختلف به کار می‌رود؛ از قبیل برگزیدن، بیرون کشیدن کسی و چیزی از میان اشیا و افراد دیگر، عمل و یا قدرت انتخاب و گزینش و حق انتخاب. در مجموع می‌توان گفت که واژه انتخابات به معنای گزینش و انتخاب کردن است؛ اما از نظر اصطلاحی، «انتخابات شکلی از فرایند تصمیم‌گیری در جامعه به طور جمعی است که در آن رأی‌دهندگان تصمیم می‌گیرند که کدام حزب یا کاندیدا مسؤولیت اداره امور عمومی را به دست گیرد.» (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۲). انتخابات بهترین سازوکاری است که می‌تواند تضمین‌کننده و تجلی‌بخش نظام مردم‌سالار و دموکراتیک باشد؛ از این رو، می‌توان گفت انتخابات مهم‌ترین ابزار مشارکت سیاسی شهروندان در چارچوب نظام سیاسی دموکرات به شمار می‌رود؛ به خصوص با توجه به این‌که دیگر دموکراسی‌های مستقیم جای خود را به دموکراسی‌های نمایندگی داده است (شریعت‌پناه، ۱۳۹۱: ۱۱۸). برای حراست از آرای همه شهروندان و تأثیرگذاری گزینش و اراده مردم، دو واژه انتخابات دموکراتیک و انتخابات عادلانه نیز مورد توجه جدی می‌باشند. انتخابات دموکراتیک انتخاباتی است که در یک فضای دموکراتیک و با رعایت حقوق و آزادی‌های سیاسی شهروندان برگزار شود. چنین انتخاباتی دارای خصیصه‌های رقابتی، دوره‌ای، فراگیر و آزاد، منصفانه و قطعی است که در آن تصمیم‌گیرندگان در حکومت، توسط شهروندان که از آزادی‌های وسیعی بهره‌مند هستند، انتخاب می‌شوند (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۵). انتخابات عادلانه دیگر ناظر به برابری شهروندان در برخورداری از یک رأی نیست. این موضوع که تمام بزرگسالان در یک کشور صرف نظر از

جنسیت، نژاد، مذهب و زبان خود حق مشارکت سیاسی و گزینش مسئولان را دارند، جای بحث نیست. آنچه انتخابات عادلانه ناظر به آن است و از این زاویه مورد بحث قرار می‌گیرد، این است که آیا حوزه‌های انتخابیه با توجه به جمعیت و نفوس‌شان از تعداد نمایندگان لازم برخوردارند یا خیر؟ و آیا جمعیت حوزه‌های انتخابیه واقع‌بینانه برآورد می‌شوند یا خیر؟ و آیا نخبگان و احزاب حاکم در روند انتخابات با استفاده از امکانات عمومی و دولتی به نفع خودشان دخالت می‌کنند یا خیر؟ (کدخدایی، ۱۳۸۱: ۱۹۸). مهم‌ترین چالش دموکراسی در کشورهای کم‌تر توسعه‌افته موضوع انتخابات دموکراتیک و انتخابات عادلانه است. یکی از بسترهای قانونی و حقوقی‌ای که می‌تواند چنین انتخابات را تضمین کند، نوع نظام انتخاباتی با توجه به ویژگی‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی یک کشور است.

## ۲. نظام انتخاباتی

از نظام انتخاباتی تعاریف مختلفی ارائه شده است که محتوای همه‌شان به قواعد حاکم بر انتخابات و گزینش مقامات عمومی و مکانیسم تبدیل آراء به کرسی‌های نمایندگی اشاره دارد. در یک تعریف از نظام انتخاباتی آمده است: «نظام انتخاباتی در بردارنده قواعدی است که به موجب آن‌ها، آراء به کرسی‌های نمایندگی تبدیل می‌شوند.» (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۰۳). در تعبیر دیگر از نظام انتخاباتی چنین آمده است: انتخابات فرایندی است که دارای مراحل مختلف است. هریک از این مراحل ضوابط و مقررات مخصوص به خود را دارد. مجموعه این ضوابط و مقررات، قوانین انتخاباتی را تشکیل می‌دهند و نظام انتخاباتی تعیین‌کننده قوانین مربوط به آخرین مرحله این فرایند؛ یعنی شمارش آراء و تبدیل رأی به کرسی است (دانش، ۱۳۸۹: ۲۶۹)؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین بخش‌های چارچوب قانونی انتخابات، نظام انتخابات است و در تبدیل آراء مردم به کرسی‌های نمایندگی، مشروعیت نظام سیاسی، پاسخگویی نمایندگان و گروه حاکم تأثیرگذار است.

## سنخ‌شناسی نظام‌های انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی بر اساس معیارهای مختلف دسته‌بندی می‌شوند. یکی از رایج‌ترین آن‌ها



گونه‌شناسی نظام‌های انتخاباتی با توجه به شیوه شمارش آراء است. بر این اساس، چهار نوع نظام انتخاباتی عمده اکثریتی، تناسبی، نیمه‌تناسبی و تلفیقی شناسایی شده است که هر کدام زیرمجموعه‌های خود را دارا می‌باشند. گونه‌شناسی دیگری با توجه به سه مؤلفه؛ تعداد آرای که فرد رأی‌دهنده از آن بهره‌مند است، چگونگی تخصیص و توزیع آراء و تعداد نمایندگان که برای هر حوزه انتخابیه برگزیده می‌شوند، صورت می‌گیرد. بر این اساس، سه نوع نظام انتخاباتی اکثریت نسبی، لیست‌های حزبی و سیستمی که بر اظهار آراء و گرایش‌های متفاوت و متنوع تأکید می‌کند، شناسایی شده است (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۲۰). آنچه در این جا ملاحظه می‌کنید به تبعیت از الگوی اول و رایج است.

### ۱- نظام انتخاباتی اکثریتی<sup>۱</sup>

از نظر تاریخی، نخستین شیوه انتخاباتی در کشورهای اروپایی همین روش اکثریتی بوده است. در این چارچوب، کسی که آرای بیش‌تری را در مقایسه با دیگران به دست آورد، پیروز انتخابات به شمار می‌رود. ریشه این نوع از نظام انتخاباتی به انگستان بر می‌گردد که در آن‌جا نظام سیاسی پارلمانی است و حوزه‌های انتخابیه به تعداد کرسی‌های مجلس؛ یعنی ۶۵۱ حوزه تقسیم شده است. علاوه بر انگلیس، عمدتاً دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان نیز از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۲۰). بنابراین، از هر حوزه انتخابیه تنها یک نماینده وارد مجلس می‌شود. کسی که نسبت به رقبای خود رأی بیش‌تری به دست آورد، پیروز انتخابات به شمار می‌رود و دیگران حذف می‌گردند. نظام اکثریتی خود زیرمجموعه‌هایی دارد. در یک طبقه‌بندی، نظام اکثریتی به اکثریت نسبی و مطلق تقسیم می‌شود و در طبقه‌بندی دیگر به نظام‌های نخست‌نفری، دودوره‌ای، رأی بدیل و حق رأی جمعی تقسیم می‌گردد. در این جا به طبقه‌بندی اول که مختصر و جامع است، اشاره می‌شود.

1. The Plurality- Majority System (PM).

## الف) اکثریت نسبی<sup>۱</sup>

این سیستم بسیار ساده و یک مرحله‌ای است و مناسب حوزه‌های تک‌کرسی است؛ مثل کشور انگلستان. بر این مبنای، در نخستین دور انتخابات کسی که رأی بیش‌تری را به دست آورده است، به نمایندگی برگزیده می‌شود و دیگران از دور رقابت خارج می‌گردند. این نوع نظام به نخست نفری (First- past- The- Post) نیز مشهور است. نتیجه انتخابات مطابق این روش بسیار ساده و آسان به دست می‌آید و آراء تبدیل به کرسی می‌شوند. کشورهای زیادی از جمله آمریکا، مالزی، هند و کانادا از این روش پیروی می‌کنند (ر. ک: خسروی، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

## ب) اکثریت مطلق<sup>۲</sup>

بر اساس اکثریت مطلق، کاندیدی پیروز انتخابات به شمار می‌رود که بتواند اکثریت مطلق آراء شهروندان؛ یعنی ۱+۵۰ را به دست آورد؛ بنابراین، اگر چنین چیزی در دور اول انتخابات رخ ندهد، نیاز است که انتخابات به دور دوم کشیده شود. به همین جهت است که از این نوع نظام انتخاباتی به نظام دودوره‌ای نیز یاد می‌شود. معمولاً در کشورهای متکثر به لحاظ حزبی و یا قومی، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود و در این مرحله فرمول رایج برگزاری انتخابات بین دو کاندید پیش‌تاز دور اول است (دانش، ۱۳۸۹: ۲۷۴). کشورهای زیادی در دنیا از این روش استفاده می‌کنند از جمله فرانسه، ایران، مصر، آذربایجان و عراق (ر. ک: خسروی، ۱۳۸۷: ۲۱۳).

## ۲. نظام تناسبی<sup>۳</sup>

از آنجایی که نظام انتخاباتی اکثریتی به شکل نسبی و حتی مطلقش، موجب عدم مؤثریت آرای بسیاری از شهروندان و در نتیجه شکست احزاب کوچک و اقلیت‌های قومی و مذهبی می‌گردد، سیستم دیگری به منظور رفع این کاستی‌ها مورد توجه قرار گرفته است به نام نظام تناسبی. مهم‌ترین ویژگی نظام تناسبی این است که هر حزب و گروهی، به تناسب آرای خود،

1. Plurality System.
2. Absolute Majority System.
3. Proportional System.

می‌توانند صاحب کرسی نمایندگی شوند. این نوع نظام انتخاباتی بیش‌تر مناسب جوامعی است که در آن‌ها نظام حزبی حاکم باشد. احزاب و گروه‌های سیاسی می‌توانند طیف وسیعی از نامزدهای انتخاباتی را در لیست خود جا دهند. بر بنیاد این سیستم، در صورتی که یک حزب ۴۰ درصد کل آراء را کسب کند، ۴۰ درصد کرسی‌های پارلمان را نیز تصاحب می‌کند. بیش از بیست کشور در جهان؛ از قبیل آرجانتاین، بلجیم، دنمارک، سویدن، سوئیس و ترکیه از این نوع نظام انتخاباتی تبعیت می‌کنند (دانش، ۱۳۸۹: ۲۷۴ و خسروی ۱۳۸۷: ۲۱۵).

نظام انتخاباتی تناسبی خود به دو نوع عمده نظام لیستی و رأی واحد قابل انتقال تقسیم می‌شود.

## الف) نظام لیستی<sup>۱</sup>

سیستم‌های لیستی نیز در عین حال که یکی از متداول‌ترین روش‌ها است، یکی از متنوع‌ترین سیستم‌های انتخاباتی نیز محسوب می‌شود. ویژگی‌های اصلی این سیستم عبارتند از: (۱) رأی‌گیری کلاً به صورت حزبی صورت می‌گیرد و دارای گرایش‌های حزبی است؛ (۲) انتخابات برای نواحی انتخاباتی چندنماینده‌ای و بزرگ صورت می‌گیرد؛ (۳) رأی‌دهندگان می‌توانند صرفاً از بین کاندیداهای یک حزب گزینه‌های خود را برگزینند. تقریباً تمامی کشورهای اروپای غربی و شمالی از چنین سیستم استفاده می‌کنند. بر این اساس، رأی‌دهندگان با برگه‌های رأیی مواجه می‌شوند که در آن‌ها لیست‌های کاندیداها به صورت حزب‌های شرکت‌کننده در هر حوزه درج گردیده است. رأی‌دهندگان صرف نظر از افراد، حمایت‌شان را از یکی از احزاب اعلام می‌کنند. در بسیاری از موارد احزاب هستند که در مورد افراد برگزیده تصمیم می‌گیرند. با این وجود، این سیستم نیز دارای اشکال مختلف است؛ به عنوان مثال: در حالی که رأی‌دهندگان در کشور ایتالیا می‌توانند تا حداکثر چهار گزینه - در حوزه‌هایی که بیش از ۱۵ نماینده داشته باشند - را مشخص کنند، در کشور بلجیم صرفاً یک گزینه را می‌توانند برگزینند و در لوکزامبورک رأی‌دهندگان می‌توانند دو گزینه مطلوب خود را اعلام کنند و حتی می‌توانند هردو اولویت خود را به یک

1. Proportional List system.

فرد اختصاص دهند (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۴۲).

### ب) رأی واحد قابل انتقال<sup>۱</sup>

این روش که بیش تر در حوزه‌های چندنماینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، به رأی‌دهندگان اجازه داده می‌شود که به هر تعداد نامزدی که خواسته باشند، بر اساس اولویت و ارجحیت رأی دهند. در شمارش آراء نامزدانی برنده محسوب می‌شوند که در ارجحیت اول رأی‌دهندگان قرار داشته باشند و نصاب لازم را تکمیل کنند؛ در غیر آن صورت، نوبت به نامزدان با ارجحیت دوم می‌رسد. مهم‌ترین مزیت این سیستم این است که رأی‌دهندگان به جای آن که ملزم باشند تا به لیست‌های بسته حزبی رأی دهند، می‌توانند از فهرست‌های مختلف، گزینه‌های مورد نظر خود را برگزینند. این امر موجب برقراری ارتباط شخصی بین وکلا و موکلین می‌گردد. این سیستم در کشورهایی؛ چون: مالتا، استونیا و ایرلند رایج است (دانش، ۱۳۸۹: ۲۷۵).

### ۳. نظام نیمه‌تناسبی<sup>۲</sup>

از آنجایی که این سیستم در حد فاصل بین سیستم‌های تناسبی و اکثریت نسبی قرار دارد، نیمه‌تناسبی خوانده می‌شود. دو نوع اصلی این سیستم عبارتند از رأی واحد غیر قابل انتقال و رأی موازی.

### الف) سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال<sup>۳</sup>

مطابق این سیستم، رأی‌دهندگان حق یک رأی دارند. این سیستم مناسب حوزه‌های چندنماینده‌ای است که رأی‌دهندگان از بین کاندیداهای متعدد تنها به یک نفر رأی می‌دهند و در نتیجه افرادی که بیش‌ترین آراء را کسب کرده باشند، برنده انتخابات محسوب می‌شوند (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۱۹). این سیستم برای اقلیت‌ها و احزاب کوچک زمینه حضور در پارلمان را فراهم می‌کند؛ اما موجب ضایع شدن آراء زیاد و مانع رشد احزاب قوی می‌گردد (دانش،

1. Single transferable Vote(STV)

2. Semi proportional System

3. Single non- Transferrable Vote System

## ب) نظام رأی موازی<sup>۱</sup>

سیستم رأی موازی ترکیب یافته‌ای از لیست حزبی (PR) و اکثریت نسبی (FPTP) است؛ از این رو، برخی این سیستم را به عنوان (Mixed Member Majoritarian, MMM) یاد می‌کنند. استفاده از این روش به این معنا است که در مناطقی از کشور از روش FPTP استفاده می‌شود و همزمان در مناطق دیگری از کشور که تعداد کرسی‌های نمایندگی آنان بیش‌تر است، از روش لیست حزبی استفاده می‌شود. این سیستم در حدود ۲۰ کشور دنیا از جمله در کشورهای نو تأسیس آفریقا و جمهوری‌های استقلال یافته از شوروری سابق تطبیق می‌شود (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۲۰ و دانش، ۱۳۸۹: ۲۷۶). این سیستم عمر طولانی ندارد و به منظور بهره‌مندی از نقاط سیستم لیستی و نظام اکثریت است. با این وجود، سیستم رأی موازی به دو گونه متفاوت پیاده می‌شود: در یک روش که در کوریای جنوبی استفاده می‌شود، به رأی‌دهنده برگه واحدی داده می‌شود که در آن هم کاندید مورد نظر را مشخص می‌کند و هم حزب او را؛ اما در یک روش دیگر که در جاپان، لیتوانیا و تایلند مرسوم است، به رأی‌دهنده دو ورق رأی‌دهی جداگانه داده می‌شود: یکی برای کرسی فردی بر اساس رأی اکثریتی و دیگری برای کرسی حزبی بر اساس نظام لیستی (www.Aceproject.org).  
 بنیاد اندیشه  
 تاسیس ۱۳۹۴

## ۴. نظام ترکیبی یا تلفیقی<sup>۲</sup>

این سیستم انتخاباتی - همان طور که از عنوانش معلوم است - تلفیقی است از روش‌های مختلف (اکثریت نسبی و تناسبی یا اکثریت مطلق و تناسبی). مهم‌ترین ویژگی آن این است که رأی‌دهنده در آن واحد یک‌بار به فهرست‌های احزاب سیاسی رأی می‌دهد و یک‌بار به نامزدها در حوزه‌های انتخابیه کوچک. بر مبنای این روش، پارلمان متشکل از لیست احزاب و کاندیداهای مستقل است. نظام تلفیقی با نام‌های مختلفی؛ از قبیل «نظام دو رأی»، «عضو اضافی»

1. Parallel System(PS)

2. Mixed System



و یا « نظام المانی» نیز شناخته می‌شود. این روش با سیستم رأی موازی همانند است؛ از این رو، در اغلب موارد، اصلاً نظام تلفیقی و نیمه‌تناسبی یکی خوانده می‌شود (دانش، ۱۳۸۹: ۲۷۰)؛ زیرا رأی‌دهندگان بر اساس هردو روش، در آن واحد دو رأی را استعمال می‌کنند از جمله در آلمان و جاپان پس از ۱۹۹۴: یکی برای حزب و دیگری برای نامزدهای محلی؛ اما برخی اشکال رأی موازی این است که در آن دو نوع حوزه انتخابیه داریم که در یکی روش لیستی و در دیگری اکثریت نسبی اعمال می‌گردد؛ شبیه آنچه که در انتخابات سنای فرانسه متداول است که در حوزه‌های انتخابیه چهارنماینده‌ای و یا کم‌تر از آن، نظام اکثریت نسبی به کار گرفته می‌شود و در حوزه‌های انتخابیه‌ای که پنج سناتور و یا بیش‌تر دارند، نظام تناسبی لیستی استفاده می‌شود (خسروی، ۱۳۸۷: ۲۲۱).

## نظام انتخاباتی افغانستان

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، در افغانستان انتخابات در هفت عرصه باید برگزار گردد:

- انتخابات ریاست جمهوری مطابق مواد ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۵ و ۶۷؛
- انتخابات شورای ملی بر اساس مواد ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۶؛
- انتخابات شوراهای ولایتی بر اساس ماده ۱۳۸؛
- انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها بر اساس ماده ۱۴۰؛
- انتخابات شاروال‌ها بر اساس ماده ۱۴۱؛
- انتخابات شوراهای شهرداری‌ها بر اساس ماده ۱۴۱؛
- انتخابات شوراهای قریه‌جات بر اساس ماده ۱۴۰.

معمولاً نظام‌های انتخاباتی کشورها در قوانین اساسی معین می‌گردند؛ ولی در قانون اساسی افغانستان، بنا به ملاحظاتی، این مهم به قانون انتخابات واگذار شده است. پاراگراف پایانی ماده ۸۳ قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که

نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت، طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.»

در قانون انتخابات، ماده ششم، فقره سوم در این زمینه آمده است: «هر رأی‌دهنده در انتخابات دارای حق یک رأی بوده که می‌تواند آن را بلاواسطه برای کاندید مورد نظر استعمال نماید.» این فقره اشاره به رأی واحد غیر قابل انتقال دارد؛ البته از جهت شیوه شمارش آراء و تشخیص فرد یا افراد پیروز می‌توان گفت که در انتخابات ریاست جمهوری و شاروال‌ها، نظام اکثریت مطلق و برای سایر موارد نظام اکثریت نسبی در نظر گرفته شده است. ماده بیستم قانون انتخابات در زمینه انتخابات ریاست جمهوری در دو فقره چنین توضیح داده شده است: «۱) رئیس جمهور با کسب بیش از پنجاه فیصد آراء رأی‌دهندگان از طریق رأی‌گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد. ۲) هرگاه در دور اول هیچ‌یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فیصد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج نهایی انتخابات، برگزار می‌گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیش‌ترین آراء را در دور اول به دست آورده‌اند، مکلف‌اند شرکت کنند.» هم‌چنین در ماده سی و هشتم قانون انتخابات در باره انتخاب شاروال‌ها آمده است که شاروال‌ها با اکثریت بیش از پنجاه درصد آراء برگزیده می‌شوند؛ اما در ماده بیست و چهارم قانون انتخابات در مورد انتخابات شورای ملی آمده است: «در هر ولایت کرسی‌ها به شمول کرسی کوچکی<sup>۱۳۹۴</sup>ها به کاندیدانی تفویض می‌گردد که بیش‌ترین آراء قانونی را کسب نموده‌اند.» هم‌چنین در مواد ۳۱ (شورای ولایتی)، ۳۴ (شورای ولسوالی) و ۳۵ (شورای قریه) قانون انتخابات در باره شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه همین محتوا تکرار شده است که دارندگان بیش‌ترین آراء به عنوان عضو شورای ولایتی، ولسوالی و قریه شناخته می‌شوند.

## معیارهای کارآمدی و مؤثریت نظام انتخاباتی

نظام انتخاباتی که ضامن شفافیت، نمایندگی، جامعیت، عدالت و وفاق ملی باشد و بستر تشکیل حکومت و پارلمان مشروع، باثبات، پاسخگو و متکثر به لحاظ گرایش‌های حزبی-

سیاسی و ایدئولوژیکی را فراهم کند باشد، می‌تواند آن را نظام انتخاباتی کارآمد و مؤثر قلمداد کرد. با توجه به مطالب فوق، مشاهده می‌شود که طیف‌های وسیع و گوناگونی از نظام‌های انتخاباتی در جهان وجود دارد و از طرفی دیگر، هر کشور شرایط خاص و اولویت‌های خود را دارا می‌باشد، لازم است نظام انتخاباتی برگزیده شود که بیش‌ترین تضمین‌کننده این معیارها باشد. جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان یک نظام سیاسی جدید در کشوری که میراث‌دار مشکلات و نابسامانی‌های فراوان از جمله جنگ، اقتدارگرایی، انحصارطلبی و تبعیض و بی‌عدالتی می‌باشد، شرایط خاص خود را دارا است. یقیناً مسؤولان و متصدیان تهیه و تنظیم قانون انتخابات در هنگام تدوین قانون انتخابات افغانستان، تلاش کرده‌اند که بهترین نظام انتخاباتی را برای کشور برگزینند. با این وجود، در پی انتخابات ریاست جمهوری، شاهد تشکیل کمیسیون خاص اصلاح انتخاباتی و پیشنهادهای جدید هستیم؛ از این رو، در این‌جا به مهم‌ترین معیارهای مورد نظر با توجه به شرایط افغانستان اشاره می‌شود تا کمکی باشد در جهت اصلاح نظام انتخاباتی افغانستان.

### ۱. ایجاد حکومت و پارلمان کارآمد و باثبات

همان‌طور که اشاره شد، افغانستان از بی‌ثباتی در چند دهه اخیر رنج برده و یکی از عوامل بی‌ثباتی‌ها نیز تبعیض و انحصارطلبی بوده است؛ از این رو، ثبات سیاسی و دوام حکومت‌ها یکی از اولویت‌های کشور ما به شمار می‌رود. البته که برقراری حکومت باثبات و کارآمد در گرو عوامل مختلف است؛ با این وجود، نتایج برآمده از نظام انتخاباتی می‌تواند نقش مؤثری بر تشکیل چنین حکومتی داشته باشد. ترکیب هیأت رهبری حکومت و ترکیب پارلمان به هر میزان که بازتاب‌دهنده حضور گروه‌های مختلف کشور در ساختار قدرت باشد، می‌تواند تضمین‌کننده ثبات و دوام حکومت و پارلمان باشد. برعکس، عدم تناسب نمایندگان و حاکمان با نفوس و جمعیت کشور، می‌تواند زمینه‌ساز شکنندگی، بی‌ثباتی و ناکارآمدی حکومت و پارلمان باشد.

## ۱. پاسخگوساختن حکومت

یکی از مشکلات افغانستان همواره و به خصوص در پانزده سال گذشته، عدم پاسخگویی مسؤولان در قبال شهروندان است؛ در حالی که پاسخگوبودن حکومت در برابر مردم، یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی دموکرات و مردم‌سالار است. هرچند پاسخگوساختن حکومت شرایط گوناگون را می‌طلبد؛ اما نظام انتخاباتی یکی از مبنایی‌ترین ابزارها در این راستا به شمار می‌رود. نظام انتخاباتی باید این ظرفیت را داشته باشد که از گزینش نمایندگان و مسؤولان غیر پاسخگو بر خلاف اراده و خواست مردم از طرق غیر قانونی جلوگیری نماید.

## ۲. رعایت استانداردهای حقوق بشری و بین‌المللی

افغانستان جدید یکی از اعضای مورد حمایت جامعه جهانی است؛ از این رو، انتظار می‌رود تعهدات بین‌المللی، رعایت کنوانسیون‌های حقوق بشری و احترام به ارزش‌های مندرج در آن‌ها، که با اساسات بنیادین دینی و ملی کشور در تضاد نیست، در نظام انتخاباتی نیز مورد توجه قرار گیرد؛ به عنوان مثال: برابری و مساوات شهروندان در برخورداری از رأی، آزادی در استعمال رأی و مخفی‌بودن رأی، دوره‌ای‌بودن زمان نمایندگی و تصدی مسؤولیت‌های کلان و گردش نخبگان از جمله این ارزش‌ها است که در کشور ما معمولاً کم‌تر رعایت می‌شوند. نظام انتخاباتی در کنار دیگر ابزارها و اهرم‌های قانونی و فرهنگی، می‌تواند بسترساز رعایت چنین اصول و استانداردها باشد.

## ۳. رشد احزاب سیاسی

احزاب سیاسی می‌توانند نقش مؤثری در کارآمدی مشارکت سیاسی مردم در مدیریت عمومی کشور و افزایش ثبات نظام سیاسی داشته باشند. نظام انتخاباتی می‌تواند تأثیر عمیق بر ایجاد، رشد و اتحاد و ائتلاف احزاب سیاسی داشته باشد. نظام انتخاباتی مطلوب، نظامی است که زمینه شکل‌گیری احزاب منسجم، ملی و واقعی را فراهم کند. افغانستان با توجه به شکست در ملت‌سازی، شکنندگی‌ها و بی‌ثباتی سیاسی و برجسته‌بودن گرایش‌های قومی و زبانی، نیاز شدید به شکل‌گیری احزاب سراسری فرازبانی، قومی و مذهبی دارد. احزاب

سیاسی می‌توانند در تقویت مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال مردم، افزایش روحیه ملی و ملت‌سازی و کارآمدی و مؤثریت انتخابات و نقش مردم، سهم قابل توجهی داشته باشد. هرچند تجربه ظهور احزاب سیاسی در دهه دموکراسی و دوران جهاد و حوادث تلخ دوران حکومت مجاهدین و طالبان، نوعی نفرت عمومی نسبت به فعالیت‌های حزبی را برانگیخته است، با این وجود، یکی از راه‌های برقراری ثبات در کشور و استحکام نظام در پذیرش نتایج انتخابات، رشد احزاب سیاسی آن هم در قالب نظام دو حزبی است.

#### ۴. رعایت تناسب تعداد کرسی‌ها با نفوس حوزه‌های انتخابیه

یکی از عوامل ناکارآمدی پارلمان و حکومت، تبعیض در تخصیص تعداد کرسی‌ها برای حوزه‌های انتخابیه است. متأسفانه این مشکل در کشور ما به چشم می‌خورد؛ زیرا در فقدان احصایه فنی و قابل قبول در حالی که در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی هر ولایت یک حوزه انتخابیه در نظر گرفته شده است، به نظر می‌رسد توزیع کرسی‌های پارلمان برای ولایات با توجه به جمعیت واقعی‌شان عادلانه و منصفانه به نظر نمی‌رسد! گزینش نظام انتخاباتی مطلوب می‌تواند در این زمینه نیز کارآمدی و مؤثریت داشته باشد (ر. ک: خسروی، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۲۰۹، دانش، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

با توجه به معیارها و ملاحظات فوق، نگاهی مقایسه‌ای داریم به دو سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال و رأی موازی تا زمینه بیش‌تری برای تأمل در مورد تغییر احتمالی و پیامدهای آن فراهم گردد.

#### تفاوت‌های اساسی سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال با رأی موازی

با وجود این که هر دو سیستم زیرمجموعه نظام نیمه‌تناسبی و یا مختلط قرار می‌گیرند و به منظور رفع کاستی‌ها و مشکلات سیستم‌های تناسبی و اکثریتی تعریف شده‌اند و طبعاً جدیدتر هم به شمار می‌روند، تفاوت‌های اساسی با هم دارند که با توجه به این تفاوت‌ها، تغییر نظام انتخاباتی به رأی موازی می‌تواند تغییراتی را در نظم سیاسی، جایگاه احزاب، مدیریت انتخابات و خروجی‌ها و نتایج انتخابات در پی داشته باشد. در این جا به مهم‌ترین تفاوت‌های دو سیستم



اشاره می‌شود.

۱- **وضاحت و پیچیدگی:** از این جهت، سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال یک روش ساده و واضح است. ضمن این‌که رأی‌دهندگان و افکار عمومی نیز در بیش از یک دهه گذشته آن را تمرین کرده و با آن آشنا هستند. وضاحت این روش هم برای مدیران و گردانندگان انتخابات، جهت مدیریت و شمارش آراء و هم برای رأی‌دهندگان، برای اشتراک در انتخابات و استعمال رأی روشن است؛ در حالی که نظام رأی موازی پیچیده‌تر است. یکی از پیچیدگی‌های این سیستم- همان‌طور که قبلاً بیان گردید- این است که رأی‌دهندگان حداقل در حوزه‌های انتخابیه بزرگ در آن واحد دو نوع رأی باید استعمال کنند: یکی برای کاندید مورد نظر و دیگری برای حزب مورد نظر. طبعاً مدیران و گردانندگان انتخابات نیز باید آموزش‌های بیش‌تر ببینند و شهروندان نیز باید راهنمایی گردند؛ امری که به سادگی قابل تطبیق نیست. با توجه به سطح پائین سواد در کشور و پیچیدگی نظام انتخاباتی، زمینه‌های سوء استفاده و تقلب را افزایش می‌دهد. علاوه بر آن، حتی ابهام در پیشنهاد کمیسیون ویژه اصلاح انتخاباتی دیده می‌شود؛ زیرا در آن بیان نشده است که کدام یکی از الگوهای رأی موازی قرار است در کشور تطبیق گردد. قبلاً بیان شد که در مواردی یک ورق رأی‌دهی به رأی‌دهندگان داده می‌شود و در نمونه‌های دیگر دو ورق جداگانه و حتی در نمونه‌ای دیگری که در مجلس سنای فرانسه به کار گرفته می‌شود، در حوزه‌های انتخابیه کوچک که کم‌تر از ۵ نماینده دارد، سیستم اکثریتی نسبی و در حوزه‌های انتخابیه‌ای که بیش‌تر از ۵ کرسی نمایندگی دارند، از سیستم لیستی حزبی بهره می‌گیرند. چنین جزئیاتی در مورد افغانستان هنوز در دست نیست؛ بنابراین، با روشن شدن جزئیات بیش‌تر، شاهد واکنش‌های گوناگون خواهیم بود.

۲- **رابطه موکلان با وکلا:** از این جهت هرچند تفاوت جدی را شاهد نخواهیم بود؛ چون بخشی از آراء هم‌چنان به افراد ریخته می‌شوند؛ ولی با این وجود، رابطه نسبتاً مستقیمی که در روش رأی واحد غیر قابل انتقال وجود دارد، در روش رأی موازی وجود نخواهد داشت؛ زیرا در آن صورت، بخشی از آراء به خاطر حمایت از احزاب به صندوق‌ها ریخته شده و میزان پاسخگویی احزاب افزایش خواهد یافت و در عوض، نقش فرد وکیل کم‌رنگ‌تر می‌شود.

در صورتی که احزاب قوی فراگیر و ملی تشکیل گردد، می‌توان امیدوار بود که دسترسی رأی‌دهندگان به احزاب نظامندتر و نمایندگی آن‌ها نیز تابع قوانین و مقررات حزبی قرار بگیرد؛ در حالی که در روش موجود، سلیقه و میل شخصی نمایندگان است که میزان حمایت از خواست و انعکاس دیدگاه موکلان را مشخص می‌کند. البته نباید فراموش کرد که در تعامل فعلی، بروکراسی و اطاله در پاسخگویی وجود ندارد؛ در حالی که پاسخگویی حزبی ایجاب تنگناهای بروکراتیک را دارد.

**۳- جایگاه و نقش سیاسی احزاب:** شاید یکی از دلایل گزینش سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال، به دلیل نوعی بی‌اعتمادی و حتی نفرت نسبت به احزاب با توجه به کارکرد گذشته آن‌ها بوده است (دانش، ۱۳۸۹: ۲۸۱). روش موجود آشکارا نقش احزاب را در پارلمان و معادلات سیاسی کاهش داده است؛ در حالی که در چارچوب سیستم رأی موازی، احزاب بخشی از کرسی‌های پارلمان را در اختیار خواهند گرفت. مطابق پیشنهاد کمیسیون خاص اصلاح انتخاباتی، از مجموع ۲۵۰ کرسی، ۸۳ کرسی به احزاب اختصاص داده می‌شود (سعادت، ۱۳۹۴: ۱۰۱). با تطبیق این روش، احزاب سیاسی قادر به اعمال اقتدار سیاسی و قانونی از مجرای پارلمان می‌گردند؛ در آن صورت شیوه مبارزات انتخاباتی و نوع مسائل مورد بحث در کارزارهای انتخاباتی و نقدها و حمایت‌ها تغییر می‌کند. انتظار می‌رود با استفاده از این روش، شاهد ارائه برنامه‌های حزبی در سطح ملی باشیم و دیگر کاندیداهای حزبی به مسائل صرفاً محلی توجه نخواهند کرد؛ در حالی که فعلاً رهبری سیاسی احزاب اگر خود کاندید نباشد، به حاشیه رانده شده است. در صورت استفاده از روش رأی موازی، محبوبیت و وجهه رهبران احزاب حتی اگر خود کاندید نباشد، اهمیت پیدا می‌کند. چه بسا رهبرانی که نمایندگان زیادی را رهبری می‌کنند و چه بسا کاندیداهایی که به خاطر درج اسمش در لیست حزبی، محبوبیتش افزایش و یا کاهش یابد؛ بنابراین، سیستم رأی موازی در توسعه و رشد احزاب نقش قابل توجهی بازی می‌کند و زمینه شکل‌گیری نظام حزبی را فراهم خواهد کرد.

**۴- تمرکز و عدم تمرکز قدرت:** یکی از تفاوت‌های اساسی بین دو سیستم رأی دهی در این عرصه خود را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که اصلاح نظام انتخاباتی را باعث

شده است، همین موضوع باشد؛ زیرا از یک طرف، فرهنگ سیاسی نهادینه‌شده در افغانستان تمرکزگرایی و انحصار قدرت را ایجاب می‌کند و از جانب دیگر، ساختار قانونی و حقوقی نظام سیاسی؛ به خصوص با توجه به سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال، زمینه فربه‌شدن قوه مجریه را فراهم ساخته است؛ زیرا بر بنیاد قانون اساسی، رئیس جمهور در عین حال که رئیس قوه مجریه است، رئیس دولت جمهوری اسلامی افغانستان نیز بوده و در رأس قوا قرار دارد. (ماده شصت قانون اساسی) از طرف دیگر، سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال موجب شده است تا پارلمانی ضعیف، پراکنده و ناکارآمد شکل بگیرد. طبیعی است که در فقدان یک پارلمان قدرت‌مند و کارآمد، قدرت به صورت متمرکز در اختیار قوه مجریه قرار می‌گیرد و رئیس جمهوری از صلاحیت‌ها و تأثیرگذاری وسیع برخوردار می‌باشد. این در حالی است که یکی از دغدغه‌های اساسی در طی دهه‌های گذشته، همواره تمرکززدایی از قدرت بوده است. اصلاً فلسفه تفکیک قوا در دانش سیاسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت است. این یک موضوع عام جهانی است که تمرکز قدرت فسادآور است و نظام سیاسی کارآمد، نظامی است که قوای سه‌گانه توان نظارت و کنترل بر یکدیگر را داشته باشند (ظاهری، ۱۳۹۱: ۲۶۴). بنابراین، سر شکن‌شدن قدرت و حرکت به سمت نظام پارلمانتاریسم، یکی از عواقب و پیامدهای تطبیق سیستم رأی موازی می‌تواند باشد.

## بنیاد اندیشه

۵- کارآمدی و مؤثریت پارلمان: با توجه به ناسنکات فوق، می‌توان گفت که کارآمدی و یا ناتوانی و ضعف پارلمان نیز- علاوه بر عوامل دیگر- معلول نظام انتخاباتی می‌باشد. روش موجود باعث شده است که در پارلمان افغانستان فردیتی مبتنی بر منافع کوچک شکل گیرد؛ زیرا همبستگی سازمانی و حزبی بین اعضای پارلمان وجود ندارد و معمولاً فراکسیون‌ها بر اساس منافع وکلا و سلیق‌شان تشکیل شده و به سرعت نیز تغییر می‌کنند. یکی از نقاط ضعف پارلمان در چارچوب سیستم موجود، سطح پائین سواد و کاردانی بخش عمده‌ای از نمایندگان است؛ زیرا آن‌ها از مجرای یک حزب و با توجه به صلاحیت‌های علمی و تخصصی معرفی نمی‌شوند؛ بلکه بر بنیاد روابط شخصی و احیاناً صرف هزینه‌های مالی، نامزد پست نمایندگی گردیده وارد پارلمان می‌شوند. فقدان فراکسیون‌های حزبی و سطح پائین تخصص و کاردانی

در بین نمایندگان، نیز باعث شده است که قوه مجریه به راحتی و با معاملات شخصی و اعطای امتیازات ناچیز، خواسته‌های خود را بر پارلمان تحمیل کند. تقویت احزاب و شکل‌گیری فراکسیون‌های حزبی در پارلمان می‌تواند کارآمدی و مؤثریت قوه مقننه را افزایش دهد. به نظر می‌رسد سیستم رأی موازی می‌تواند بستر بهتری را در این زمینه فراهم کند.

۶- **تقسیم حوزه‌های انتخابیه:** بر اساس نظام رأی واحد غیر قابل انتقال، در انتخابات پارلمانی هر ولایت یک حوزه انتخابیه تعریف شده است؛ در حالی که بر اساس سیستم رأی موازی با پیشنهاد کمیسیون خاص اصلاح انتخاباتی، انتظار می‌رود شاهد تغییراتی باشیم؛ به این بیان که حوزه‌های انتخابیه برای کاندیداهای مستقل هم‌چنان ولایات است؛ البته در صورتی که تعداد کرسی‌های یک ولایت بیش‌تر از ۱۰ کرسی نباشد؛ اما حوزه انتخابیه کاندیداهای حزبی کل کشور است؛ همانند انتخابات ریاست جمهوری. در مورد حوزه انتخابیه کوچی‌ها و اهل هنود تغییراتی به وجود نمی‌آید. (سعادت، ۱۳۹۴: ۱۰۲) هم‌چنین با تطبیق رأی موازی، شاهد تغییراتی در نحوه شمارش آراء خواهیم بود؛ زیرا در یک مرحله حزب ارائه‌دهنده لیست باید بتواند آراء لازم برای تصاحب کرسی پارلمان را به دست آورد؛ مثلاً بر اساس پیشنهاد کمیسیون مورد نظر، اگر حزبی ۲٪ کل آراء را به خود اختصاص دهد، حد نصاب را به دست آورده است. در مرحله بعد تخصیص کرسی به افراد با توجه به میزان رأی حزب به ترتیب اولویت از کسانی آغاز می‌گردد، که در صدر لیست حزبی قرار دارند. (سعادت، همان: ۱۰۳)

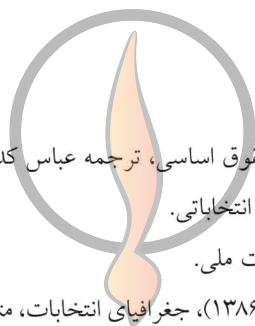
### نتیجه‌گیری

اصلاح نظام انتخاباتی در قالب تغییر آن از سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال به سیستم رأی موازی، نتایج و پیامدهای منفی و مثبت را برای کشور در پی دارد. با توجه به پیچیدگی سیستم رأی موازی و عدم آگاهی لازم در این زمینه؛ حتی در سطح نخبگان و متصدیان امور مربوطه، به نظر می‌رسد تغییر نظام انتخاباتی چالش‌های جدید و نسبتاً جدی را سر راه مدیریت پروسه انتخابات و اعلام نتایج خلق خواهد کرد. هزینه‌هایی لازم است تا صرف تعلیم و آموزش مدیران و کارمندان نهادهای انتخاباتی و تقویت آگاهی عامه گردد و چه بسا نیاز به حضور و

استخدام مشاوران خارجی باشد. هم‌چنین روند اعلام نتایج طولانی‌تر خواهد گردید و حتی احتمال افزایش تقلب را می‌توان مطرح کرد. از جانب دیگر، اگر امکانات مادی و دانش فنی در این زمینه فراهم گردد و نهادهای انتخاباتی کاردان و مسلکی شکل گیرند، سیستم جدید می‌تواند پیامدهای مثبت و بسیار اساسی را برای کشور در پی داشته باشد. از این میان می‌تواند به تقویت و رشد نظام حزبی در کشور، کارآمدی و مؤثریت پارلمان و تمرکززدایی از قدرت و حرکت به سمت نظام پارلمانی را برشمرد. با این وجود، نیاز است که در این زمینه غور و بررسی بیش‌تر صورت گیرد و حتی قبل از تغییر نظام انتخاباتی، پیامدها و نتایج آن با جزئیات در اختیار نخبگان، فعالان مدنی و احزاب قرار گیرد.

### منابع

۱. بارت، اریک (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر حقوق اساسی، ترجمه عباس کدخدایی، تهران: نشر میزان.
۲. بسته پیشنهادی کمیسیون ویژه اصلاح انتخاباتی.
۳. توافق‌نامه سیاسی تشکیل دولت وحدت ملی.
۴. تیلور، پیتر جیمز و جانسون، آر. جی (۱۳۸۶)، جغرافیای انتخابات، مترجمین زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران، قومس.
۵. خسروی، حسن (۱۳۸۷)، حقوق انتخابات دموکراتیک: اصول، مبانی و الگوی مطلوب نظام انتخابات، تهران: مجد.
۶. دانش، سرور (۱۳۸۹)، حقوق اساسی افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۷. سایت کمیسیون مستقل انتخابات ([www.Iec.org.af](http://www.Iec.org.af)).
۸. سعادت، اسدالله (۱۳۹۴)، اصلاحات انتخاباتی، کابل، انتشارات سعید.
۹. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران، نشر قومس.
۱۰. قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
۱۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان.
۱۲. قانون جدید انتخابات جمهوری اسلامی افغانستان، توشیح شده در ۱۵/۵/۱۳۹۲.



بنیاد اندیشه  
تأسیس ۱۳۹۴